



تلاش پارتیان (پهلویان) بر ابر یونانیان

(۲)

دورنمای سرزمین پارت

پارت در عهد قدیم مملکتی بود که اکنون آن را خراسان می‌نامیم - داریوش اول در کتیبه‌های بیستون و تخت جمشید و نقش رستم ، آن را پارتونامیده و نویسندگان یونانی ، اسم این مملکت را پارتیا (پارثوآیا) نوشته‌اند .

بنابر املاء این اسم در زبان پارسی قدیم و نظر باینکه یونانیان بر حسب تلفظ ایرانیان قدیم از این اسم ، نام این مملکت را با کلمه تناضبط کرده‌اند ، اکنون باید پارت را پارث بنویسیم و تلفظ کنیم ، ولی از آنجا که امروز (ث) و (س) به یک نحو تلفظ می‌شود این دو تا معظ مشتمه می‌شود و شنونده از لفظ (پارث) (پارس) می‌فهمد پس بناچار برای احتراز از چنین التباس باید پارث را پارت نوشت و تلفظ کرد. طبق مدارک موجود مورخان ارمنی ، سرزمین پارت را پهل شاهسدان (پهل شاهستان) می‌گفتند و از این جا منسوب به پارت را پهلوی یا پهلوانی گویند. بنا بر این باید عقیده داشت که موافق موازین فقه اللغه پارسی ، پارت یعنی اسم پارت پارسی قدیم یا بمرور زمان به (پهلوی) مبدل شده بود و پارت تغییر

* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از تاریخ‌نویسان محقق معاصر

پرتوبه پهل است . بهمین مناسبت نویسندگان ارمنستانی طبق تلفظ زبان خود آن را پهل می نامیدند . نویسندگان قرنهای نخستین اسلام نام پارت را هیچ ذکر نکرده اند ، پادشاهان این دوره را اشکانی یا اشغانی می نامند و خود دوره را به اسم ملوک الطوائف یاد می کنند (اگرچه این اسم در نظر آنها شامل دوره بعد از اسکندر یاروی کار آمدن ساسانیان است) بنا بر آنچه گفته شد، اسم پارت، در زبان پارسی قدیم پرتوبه پهل و پرت به پهل تبدیل یافته و در دوره اشکانیان و ساسانیان این لفظ بهمین معنی استعمال می شده است . مرحوم حسین پیرنیا مشیرالدوله در تاریخ ایران باستان در این مورد می نویسد : « این را هم باید بگوئیم که چون اسم این مملکت در ایران ، موافق مدارك اروپائی ، به پارت یا پارت مصطلح و مانوس گشته و نمی خواهیم خرق اجماع کنیم ، همان اسم را می نویسیم ولی این تذکر هم لازم بود ، تا اصل اسم به زبان پارسی صحیح معلوم باشد . »

جغرافیای پارت (پهل) : سرزمین پارت از جنوب شرقی دریای خزر، بصورت صفحه ای باریک بطرف مشرق امتداد دارد و این منطقه از طرف شمال و جنوب میان کسیرها و بیابانهای لم یزرع واقع است . البته این صفحه را از آنرو صفحه باریک میگوئیم که عرض و طول آن نسبت به کسیرهای وسیع اطراف خیلی کم است . طول این صفحه از غرب به شرق تاهریود ۵۱۴ و از شمال بجنوب تا کویر ۳۲۲ کیلومتر است . چهار زنجیره کوه از جنوب شرقی دریای خزر بطرف مشرق بطور متوازی امتداد می یابد و چون این زنجیره ها از یکدیگر جداست وادی هائی در میان آنها تشکیل میشود . در اطراف این وادیها درختان زیاد وجود دارد . خاک دامنه کوهها حاصل خیز است و آبهای فراوان از کوهها سرازیر میشود و رودهای بزرگ به وجود می آورد . در این صفحه ، نویسندگان عهد قدیم دو مملکت را اسم میبرند : گرگان و پارت . ولی بطور قطع نمی توان حدود این دو را معین کرد . این مطلب قابل ذکر است که مورخان عهد قدیم ایالت را مملکت ثبت کرده اند . گرگان در سمت شمال و غرب این صفحه و پارت در طرف جنوب و شرق آن قرار دارد و بدین طریق بزرگترین قسمت وادیهای رود اترک و گرگان جزء مملکت گرگان و کمترین قسمتش جزء پارت است ، پارتی ها را با خوارزمیه و سغدیان و هراتیان و گرگانیان و زرنگیان (سیستانی ها) و ثامانیان مربوط می دارد (کتاب سوم بند ۹۳ ، ۱۱۷) ولی داریوش بزرگ در کتیبه های خود پارت را با زرنک و هرات و ساگارتی (در کویرلوت) و گرگان ارتباطی - دهد . البته نمیتوان تمام مردمی را که هردو اسم میبرد با تمام سرزمین هائی که داریوش ذکر می کند جزء پارت دانست . ذکر اسامی مردمان یا ایالات با هم فقط از این رو است که این مردمان و قسمتها بیکدیگر نزدیک بوده اند . بنا بر این طبق آنچه از نویسندگان عهد قدیم استنباط میشود ، پارت همان خراسان کنونی است ، یعنی تقریباً از سمنان و

دامغان فعلی شروع وبه هریرود امروز منتهی می شود . بعضی دربند دریای گرگان (بهر خزر) (بهر خزر - دروازه کسپین) را که در حال حاضر بنام سردره خوار معروف است ، حدفاصل بین پارت و ماد می دانستند در هر حال پارت عهد قدیم عبارت از ولایات کنونی بدین شرح است : سمنان ، دامغان ، شامرود ، جوین ، سبزوار ، نیشابور ، مشهد ، بجنورد ، قوچان دره کز ، سرخس ، اسفراین ، جام ، باخزر ، خواف ، ترشیز ، تربت حیدریه ، طول این ولایات از طرف مغرب به مشرق تقریبا ۶۰۰ کیلومتر و عرض آنها تقریبا ۲۰۰ کیلومتر است . بنابراین سطح پارت ، بالاخص ، تقریبا صد هزار کیلومتر مربع بوده است .

نژاد پارتیان (پهلویان) : در باب نژاد پارتیان بعضی مورخان و جغرافی دانان قدیم مانند ژوستین و لاکس کتاب تروک پومیه عقیده دارند پارتیان از مردمان سکائی بوده اند . به زبان سکائی (پارت) بمعنی تبعید شده است (کتاب ۴۱ بند ۱) برخی دیگر مانند استرابون (کتاب ۱۱ فصل ۹ بند ۳) گویند پارتیان از مردم داه بوده اند و این مردم نیز سکائی اند که در ابتدا بالای بالوسم اوتید یعنی دریای آزو و کنونی سکونت داشتند و بعد از آنجا کوچیدند و به طرف خوارزم رفتند و در همسایگی گرگان منزل گزیدند . سپس از آنجا بسوی خراسان کنونی آمدند . طبق این عقیده بعضی از هموطنان نخستین آنان در وطن قدیمشان باقی ماندند . کتزیاس می نویسد :

سکاها از طرف گرگان به خراسان آمده اند . پس موافق عقیده مورخان یاد شده ، پارتی ها سکائی بوده اند اما باید دانست که در بعضی موارد تعیین نژاد قومی بس مشکل است و وایه ای که کاملاً بی غیب باشد یافت نمی شود . تا بتوان آنرا مبنای قضا قرار داد . ولی طبق آخرین تحقیقات مورخان ، پارتیان (پهلویان) نژاد اصیل ایرانی داشته اند و نام آنان در کتیبه داریوش آمده است . مطلبی که ذکر آن در اینجا لازم بنظر میرسد آنکه چرا پارتیان در دورهای دراز گمنام مانده و زودتر به صحنه تاریخ پانتهاده اند و در دوره آسوریها و مادها و نیز هخامنشیان از آنان ذکری درخور موجود نیست؟ تنها از جستجوی در تاریخ درمی یابیم که پارتیها در زمان اسکندر ، قومی مطیع بوده اند و در سال ۳۵۰ قبل از میلاد بر سلوکها قیام کرده اند . شاید بدین علت که آسوریها بدینچنان آمده بودند . زیرا آسوریها دماوند و فرائر از آن کویر لوت را آخردنیا تصور می کردند . نویسندگان عهد قدیم تا آمدن اسکندر به ایران جغرافیای مشرق ایران را درست نمی دانستند و به وقایع آن نیز علاقه مند نبودند . بنابراین از پارتیها ذکری نکرده اند . از اینرو نمیدانیم وقایع این مملکت چه بوده و چرا این مردم کارهای تاریخی که آنان را بلند نام میسازد از خود نشان نداده اند . ممکن است کارهایی کرده باشند اما چون از مغرب آسیا دور بوده اند در مدارك و نوشته های مورخان یونانی و غیره ضبط نگردیده است . طبق تحقیقات کریستن سن دائمارکی کیانیان سلسله ای از حکمرانان مشرق ایران بوده اند و فعالیت آنان به این صفحات مربوط است . دنباله دارد